

مطالعات تاریخی جنگ؛ نشریه علمی؛ مقاله علمی - پژوهشی
دوره سوم، شماره چهارم (پیاپی ۱۰)، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۱۷-۱۴۰

بررسی مشارکت زرتشتیان در جنگ ایران و عراق؛ انگیزه‌ها، دلایل و زمینه‌های فکری و فرهنگی

شباهنگ مهاجرانی؛* علی اکبرامینی؛** سید علی مرتضویان***

چکیده:

مشارکت پدیده‌ای است که می‌توان آن را فرآیند سهیم شدن در تصمیمات، اقدامات و درگیری‌های فرد در یک وضعیت گروهی دانست که با هدف به انجام رساندن مقصود گروه، اندیشه و اقدام می‌نماید. این پدیده در ایران به سبب وجود گروه‌های مختلف قومی و مذهبی، شرایط ویژه‌ای دارد و میزان همدلی و همکاری گروه‌های مختلف مردم، در شکل‌گیری مشارکت نقش مهمی دارد. جنگ ایران و عراق از جمله مقاطع مهم تاریخ ایران است و انگیزه گروه‌های مختلف مردم از مشارکت در آن، قابل تأمل و بررسی است. زرتشتیان نیز از جمله اقلیت‌های دینی مشارکت‌کننده در این جنگ بودند که در این پژوهش، انگیزه‌ها و زمینه‌های مشارکت آنان براساس نظریه «کنش اجتماعی» تالکوت پارسونز، مورد بررسی قرار گرفت. پرسش اصلی این پژوهش بر این مبناست که براساس نظریه کنش اجتماعی، مشارکت زرتشتیان در جنگ ایران و عراق از چه زمینه‌های فکری و فرهنگی برخوردار است؟ در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته شده و براساس نتایج بدست آمده، مشخص شد که نظام فرهنگی دین زرتشت و

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران: shabahang_mohajerani@yahoo.com

** استادیار دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران: نویسنده مسئول، amini.aliakbar@yahoo.com

*** استادیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران: a_mortazav@yahoo.com

| تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۰۵ |

نیز احساس وظیفه و رضایت قلبی زرتشتیان سبب کنش مشارکت از سوی آنان در جنگ بوده است.
واژه‌های کلیدی: جنگ، زرتشتیان، اقلیت‌های دینی ایران، مشارکت داوطلبانه، خرده نظام فرهنگی

مقدمه

مشارکت^۱ در معنای عام آن، از دیرباز با زندگی انسان پیوند داشته و از ابتدای حیات بشر با او همراه بوده است؛ لکن مفهوم مشارکت در معنای نوین آن، پس از جنگ جهانی دوم آغاز شده است و شکلی نوین از مشارکت در برخی از کشورهای صنعتی جهان در قلمرو اقتصادی و صنعتی آغاز شد تا مردم را در مالکیت شریک ساخته و پایه‌های صنعت و اقتصاد متحول شده را مستحکم سازد. مفهوم مشارکت به این حوزه نیز محدود نماند و گسترش یافت و به تمام عرصه‌های زندگی راه یافت. این پیشرفت تا آنجا ادامه یافت که امروزه سخن این است که همه مردم در تعیین سرنوشت خویش نقشی آگاهانه و واقعی پیدا کرده‌اند.

سرزمین ایران به سبب موقعیت ممتاز جغرافیایی، همواره مامن و محل زیست و جایگاه اقوام، مذاهب و اقلیت‌های گوناگون بوده است. حضور اقوام و پیروان ادیان گوناگون در ایران، ضرورت دیدگاهی فرافرهنگی و مشارکت جویانه را در رویارویی با این تنوع فرهنگی ایجاب کرده است. زرتشتیان از جمله پیروان ادیان توحیدی در ایران هستند که به عنوان نخستین ایرانیان یکتاپرست، چهره‌ای درخشان در تاریخ اجتماعی کشور از خود بر جای نهاده‌اند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، زرتشتیان در قانون اساسی به عنوان یکی از اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده، مورد احترام ایرانیان مسلمان قرار گرفتند و به سبب تعلق خاطر به سرزمین ایران، در برهه‌های گوناگون تاریخی، به ایفای نقش پرداختند. یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین دوران تاریخ ایران پس از انقلاب اسلامی، دوران ۸ ساله جنگ عراق با ایران بود که زرتشتیان نیز به تناسب جمعیت خود و همراه با هم‌میهمان مسلمان، به مشارکت و مبارزه با دشمن پرداخته و از خاک میهن دفاع کردند. این پژوهش با شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده و کوشش می‌شود تا انگیزه و

¹. Participation

زمینه‌های فکری و فرهنگی زرتشتیان از مشارکت در جنگ مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

مشارکت در جنگ، شاخه‌ای از حوزه مطالعات در عرصه مشارکت است که تا به امروز کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. این بحث به ویژه در حوزه مشارکت اقلیت‌های دینی، صورت حداقلی داشته و از زمان پایان جنگ ایران و عراق تا به امروز، اثری مستقل که به این موضوع پرداخته باشد و بتوان آن را پیشینه‌ی این تحقیق محسوب نمود، وجود ندارد. تنها می‌توان از آثاری که در این موضوع، گام‌هایی اندک برداشته و به حوزه‌هایی از جنگ و مشارکت پرداخته‌اند، اشاره کرد.

کتاب «یاد سرو ایستاده» به قلم پروین بامسیان، نخستین دخت فرهادی و بوذرجمهر پرخیده، تنها اثر موجود در حوزه جانباختگان، جانبازان و آزادگان زرتشتی است که در سال ۱۳۹۵ نوشته شده و زندگینامه و خاطرات شهدا را مورد بازخوانی قرار داده است. این کتاب، تا حدودی الهام‌بخش تحقیق حاضر بوده و به عنوان نخستین گام مطالعاتی در این حوزه تلقی می‌شود.

موضوع مشارکت در جنگ و بطور کلی مشارکت اجتماعی که می‌تواند تحلیل‌هایی جدید از تحولات دوران جنگ را در پی داشته باشد، در فضای دانشگاهی کشور نیز مطرح شده و موضوع رسالات و پایان‌نامه‌هایی نیز قرار گرفته است؛ از جمله: «تحرك اجتماعی داوطلبان مشارکت در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران: مطالعه‌ای در مورد جانبازان بسیجی ساکن شهر تهران بزرگ» (۱۳۸۷) و «بررسی مشارکت اجتماعی به مثابه سازوکاری برای رسیدن به رفاه اجتماعی» (۱۳۹۱) که مصادیق آثار پژوهشی در این عرصه هستند.

کتاب «تاملی در جنگ ایران و عراق (چند مساله راهبردی)» (۱۳۸۰) نیز از آن رو که در بردارنده‌ی بسیاری از محورهای مطالعاتی جنگ ایران و عراق است، جهت بازسازی فضای جنگ و مسائل پیرامون آن، به عنوان پیشینه مطالعاتی جنگ در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است.

با این همه، شایان ذکر است که منابع نامبرده شده، مستقیماً به جنبه‌های مورد نظر ما در این پژوهش نپرداخته‌اند، بلکه صرفاً زمینه‌ی مطالعه‌ی مشارکت زرتشتیان در جنگ

ایران و عراق را در اختیار نویسندگان قرار می‌دهند. از این رو، وجه افتراق بارز این پژوهش با مجموع آثاری که در حوزه مشارکت، جنگ و تاریخ حیات زرتشتیان در ایران نگارش شده، در آن است که این اثر برای نخستین بار با بهره‌گیری از دستاوردهای پژوهشی سایر محققان در حوزه‌های مرتبط، کوشیده است نگاهی نو به بخشی از تاریخ اجتماعی زرتشتیان در برهه‌ای از تاریخ ایران پس از انقلاب بیفکند.

چارچوب نظری تحقیق

در بخش اول، به بیان تعاریفی که از «مشارکت» ارائه شده، و نیز زمینه‌های موثر در شکل‌گیری مشارکت می‌پردازیم و سپس در بخش دوم، براساس نظریات «تالکوت پارسونز» از کنش اجتماعی، چارچوب نظری پژوهش خود را ارائه می‌نماییم:

۱. مشارکت چیست؟

واژه مشارکت در دایره‌المعارف علوم اجتماعی این‌گونه تعریف شده است: «مشارکت به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری کردن است». از دیدگاه جامعه‌شناسی باید بین مشارکت به عنوان وضع یا حالت (امر شرکت کردن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد و در معنای دوم، داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت انجام شده نظر دارد (بیرو، ۱۳۷۰: ۲۵۷).

در تعریفی دیگر، «مشارکت را نوعی کنش هدفمند در فرآیند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به اهداف معین و از پیش تعیین‌شده تعریف نموده‌اند. فرآیندی که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن اهداف معین و مشخص که منجر به سهم شدن آنها در منابع اجتماعی می‌شود، در آن شرکت می‌کنند» (غفاری، ۱۳۸۰: ۴۲). در مجموع، «جوهره‌ی اصلی مشارکت را باید در فرآیند درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست» (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۵).

بنیادی‌ترین اندیشه زیرساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن، همفکری و همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمام زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. «علاوه بر این، مفهوم مشارکت درگیری مردم در سازمان‌های مذهبی و غیرمذهبی، انجمن‌ها و جنبش‌هایی از

همه نوع که حیات اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دهند، اما مستقیماً به توزیع قدرت مربوط نمی‌شوند و جنبش‌هایی که زندگی خصوصی را متأثر می‌سازند ولی به طور مستقیم با اهداف اقتصادی مرتبط نیستند را دربر می‌گیرد» (جباری، ۱۳۷۸: ۸-۷).
فرنج^۱ جامعه‌شناس فرانسوی بیان کرده است که: «مشارکت عبارت است از درگیر شدن ذهنی و عاطفی یک فرد در یک وضعیت گروهی، که در این درگیری او را تشویق می‌کند تا به هدف‌های گروه کمک کند و خود را در مسئولیت‌های آن گروه نیز سهیم بداند و برای به انجام رساندن مقصود گروه، تفکر و اندیشه کند» (درک فرنج و هیتلر سارود، ۱۳۷۵: ۴۵).

سیلز^۲ بیان می‌دارد که مشارکت پدیده‌ای پیچیده است و به متغیرهای زیادی وابسته است. سیلز متذکر می‌شود که با هر مدلی که این مقوله‌های وسیع را به کار ببریم، می‌توانیم استدلال نماییم که:

۱. افراد در بطن نیروهای اجتماعی (منزلت، تعلیم و تربیت، آموزش و مذهب) محاط شده‌اند.
۲. تفاوت‌های شخصیتی از نظر توانمندی‌ها و استعدادها موجب می‌شود که افراد در نشر آمادگی برای پاسخ دادن به محرک‌های اجتماعی با یکدیگر تفاوت داشته باشند.
۳. اینکه پیش شرط‌های اجتماعی و روان‌شناختی تا چه حد بر فعالیت‌های اجتماعی افراد تاثیر می‌گذارد، تا حدود زیادی به محیط‌های اجتماعی، شامل نهادها و ساختارهای اجتماعی، الگوها، باورها، اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی و سیاسی بستگی دارد.
۴. این سه دسته از متغیرها (نیروهای اجتماعی، تفاوت‌های شخصیتی و محیط‌های اجتماعی) به یکدیگر مرتبط و به هم آمیخته هستند و هر تغییری در هر یک از آنها، مشارکت را افزایش یا کاهش می‌دهد و هر تحلیلی فقط مبتنی بر یکی از آنها باشد، گمراه‌کننده و ناقص است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۱۳).

^۱. French
^۲. Siles

۲. زمینه های موثر در شکل گیری مشارکت

عوامل و زمینه های گوناگونی در شکل گیری مشارکت موثر است. مطابق با مطالعات انجام شده، دو دسته از عوامل جهت ایجاد مشارکت از اهمیت بیشتری برخوردار هستند که عبارتند از: زمینه های روانی و زمینه های جامعه شناختی.

رابرت دال از جمله محققانی است که موفق شده تا برای تبیین رفتار مشارکتی، مدلی را طراحی نماید. به نظر او، عوامل زیر بر مشارکت تاثیر مستقیم دارند و در صورت تحقق، منجر به مشارکت فرد در جامعه خواهد شد:

- فرد برای پاداش های حاصل از مشارکت، ارزش بالایی قائل باشد.
- مکانیزم مشارکت را در نیل به هدف، در قیاس با سایر مکانیزم ها موثرتر بداند.
- نسبت به دستیابی به نتایج، اطمینان لازم را داشته باشد.
- برای مشارکت از دانش و مهارت کافی برخوردار باشد.
- در ذهن خود، نوعی احساس آمادگی و برخورداری از دانش و اطلاعات و توانایی برای انجام دادن عمل را داشته باشد.
- در ورود به مشارکت و در جریان مشارکت، خود را با مشکلات و موانع زیادی مواجه نبیند (دال، ۱۳۶۴: ۳۴).

دیدگاهی دیگر در زمینه روانشناسی اجتماعی کنش جمعی به این مفهوم اشاره دارد که «اراده و تصمیم افراد به مشارکت، مجموعه ای از این ۳ انگیزه است: ۱- انگیزه هدف ۲- انگیزه های اجتماعی ۳- انگیزه ی پاداش ...» (Kelly & Breinlinger, 1996: 34)؛ انگیزه های اجتماعی در قالب واکنش دیگران مهم در عمل مشارکت، و انگیزه های هدف و پاداش در قالب اعتقاد به مشارکت و توجه به هزینه ها و فواید مشارکت صورت می گیرد. از این منظر، اراده و تصمیم افراد به مشارکت در کنش جمعی، مجموعه ای از این سه انگیزه است. اما نکته ای که باید مورد نظر باشد، آن است که مشارکت در سطح جامعه ای که از خرده فرهنگ های گوناگون تشکیل شده، بیش از هر چیز وابسته به میزان همدلی و همکاری و احساس پذیرش و امنیت از سوی اقوام و اقلیت های به رسمیت شناخته شده از سوی نظام اجتماعی و سیاسی حاکم است. لذا ما برای فهم کنش مشارکت از سوی زرتشتیان، نیازمند یافتن چهارچوبی تئوریک هستیم که در آن، عوامل فرهنگی دارای جایگاهی ویژه باشند.

۳. عوامل موثر در مشارکت براساس الگوی «کنش اجتماعی» پارسونز از دیدگاه تالکوت پارسونز هر کنش در نظام اجتماعی، همبافته‌ای^۱ از عناصر است که به طور کلی واحد عمل نامیده می‌شود و دربرگیرنده عناصر زیر است:

۱. «یک عامل^۲ یا به گفته پارسونز یک بازیگر
۲. یک هدف، یک وضعیت^۳ که فرآیند کنش متوجه آن است
۳. نقطه آغاز^۴ آن در وضعیتی^۵ است متفاوت با آنچه که کنش متوجه آن است (هدف)، وضعیتی که مشتمل بر دو دسته از عناصر می‌باشد. عناصری که بازیگر نمی‌تواند آنها را تغییر دهد (شرایط) و عناصری که بازیگر می‌تواند آنها را کنترل کند (وسایل).
۴. وجود شیوه خاصی از رابطه میان عناصر واحد عمل، به گونه‌ای که در انتخاب وسیله جایگزین برای رسیدن به هدف ... یک «جهت‌گیری هنجاری» کنش وجود دارد» (همیلتون به نقل از پارسونز، ۱۳۷۹: ۸۳).

بنابراین عامل یا بازیگر که از جهت‌گیری هنجاری در روابط و نظام تصمیم‌گیری برخوردار است، با گزینش یک هدف مشخص، از نقطه آغاز اقدام به کنش اجتماعی می‌نماید. در تشریح این وضعیت، پارسونز در کتاب ساختار کنش اجتماعی اعلام کرده که از بررسی کار کلیدی نظریه‌پردازان بزرگ به این نتیجه رسیده است که [آنها در حال حرکت به سوی نوعی نظریه هستند] که در آن «انسان‌ها انتخاب‌کننده و تصمیم‌گیرنده در مورد هدف‌های گوناگون و وسایل مختلف برای رسیدن به این هدف‌ها هستند ... مهم‌تر اینکه، محیط شامل هنجارها و ارزش‌ها و سایر افکار عموماً پذیرفته شده‌ای است که بر انتخاب هدف‌ها و وسایل تاثیر می‌گذارند ...» (یان کریب، ۱۳۸۵: ۵۶).

پارسونز مطرح می‌کند که فرض وجود ۳ نظام، یعنی کنشگری که هدفش به حداکثر رساندن رضایت خاطر است (نظام شخصیتی)، نظامی از ارزش‌های وسیع‌تر که به هنجارهای مختلف همراه با نقش‌های منزلتی گوناگون، انسجام می‌بخشد (نظام فرهنگی) و محیط مادی که جامعه باید خود را با آن انطباق دهد (یعنی نوعی ارگانیزم

1. Complex

2. Agent

3. State of affairs

4. Initiation

5. Situation

زیست شناختی)، به تکوین نظام اجتماعی می‌انجامد. در نتیجه، کسب رضایت خاطر می‌تواند یکی از علل کنش داوطلبانه کنشگر یا بازیگر باشد.

از دیگر سو، با توجه به اینکه نظام فرهنگی (به دلیل در اختیار داشتن نظام ارزشی جامعه) قابلیت نفوذپذیری در سایر خرده‌نظام‌ها را دارد، می‌تواند حکم نظارت و تصمیم‌گیری در خرده‌نظام‌های سیاسی و اجتماعی را داشته باشد؛ پس نظام فرهنگی که در هنجارها و ارزش‌های مردم نفوذ دارد و بخش اصلی باورها را تشکیل می‌دهد، می‌تواند محرکی پر قدرت برای واداشتن فرد به اقدام داوطلبانه مشارکتی باشد.

بررسی مجموع آثار و پژوهش‌هایی که به تشریح نظام‌ها و خرده‌نظام‌های کنش پارسونز پرداخته‌اند، ما را به این استنباط رهنمون می‌سازد که: «فرهنگ به دلیل ماهیت سیال بودنش در نظام‌ها و خرده‌نظام‌های دیگر جامعه رسوخ می‌نماید و اثبات می‌کند که هر کنشی، متأثر از فرهنگ و نیز بر مبنای نظم اخلاقی و فرهنگی‌ای است که در کنشگر درونی شده و بر جهت‌گیری او اثر می‌گذارد» (Black, 1961: 29-33; Swingewood, 1991: 278-283).

بنابر آنچه گفته شد، از دیدگاه پارسونز اراده فرد کنشگر و نظام فرهنگی (یعنی به طور کلی کسب رضایت خاطر و همچنین دفاع از ارزش‌ها و هنجارها) می‌تواند مبنای کنش داوطلبانه فرد در نظام اجتماعی باشد و برای فرد، آمادگی ذهنی و انگیزه‌ی کافی فراهم می‌نماید. «خلاصه آنکه می‌توان در متن کنش‌ها و رفتارهای فرد در درون نظام موارد زیر را مورد توجه قرار داد:

۱) فرد موجودی افزون‌طلب است که همواره در جستجوی غایت و هدف است

۲) در برابر فرد، شرایط و امکاناتی متفاوت وجود دارد که می‌تواند برای دست یافتن به هدف خود آنها را به کار بگیرد

۳) همه این شرایط و امکانات اعم از ارثی، زیستی و محیطی و فرهنگی در تصمیم‌گیری فرد تاثیر می‌گذارد

۴) ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به نوبه خود جهت تصمیم‌گیری فرد را تعیین می‌کند و بر رفتار وی حاکم می‌باشد» (فیض‌اردکانی، ۱۳۹۱: ۱۴).

مطالعه نظام کنش اجتماعی پارسونز، قابلیت انطباق با وضعیت مشارکت زرتشتیان در جنگ را دارد. این، امری قابل توجه است که هر فرد خود را در جامعه مسئول و

موظف به ایفای نقش بداند و آنچه که او را در این مسیر هدایت و ترغیب می‌کند، آرمان‌های اجتماعی و آموزه‌های نظام فرهنگی‌اش است.

در موضوع جنگ نیز، روحیه نبرد و جنگجویی و دفاع از کشور و جامعه در برابر تهاجم بیگانه، ریشه در فرهنگ ملت‌ها دارد و نشان دهنده آن است که جنگ و مفاهیم ارزشی متناسب با آن، جزء لاینفک خرده نظام فرهنگی جامعه است. زرتشتیان نیز تابعی از این قاعده هستند و مفاهیم ارزشی و فرهنگی در این دین، پیروان را به یکپارچگی و اتحاد و ایستادگی در برابر دشمن تشویق می‌نماید.

وقوع جنگ، شرایط جامعه را دگرگون می‌سازد و ایستادگی در برابر دشمن، تبدیل به امری مسلم و قطعی می‌شود. همچنین خرده نظام‌های مختلف در جامعه تحت تاثیر این پدیده قرار گرفته و دچار تحول می‌شوند. در چنین فضایی، خرده نظام فرهنگی بیش از خرده نظام‌های دیگر به تکاپو وادار می‌شود. به موازات صدور دستور مقاومت از سوی خرده نظام فرهنگی، همبستگی و تقویت روح جمعی و استفاده گسترده از مفاهیم فرهنگی و دینی نیز در جامعه رواج می‌یابد و جامعه به نوعی یکپارچگی و اتحاد دست می‌یابد. بنابراین در آغاز جنگ به دلیل نفوذ خرده نظام فرهنگی در نظام فکری و باور افراد جامعه، تمامی آحاد ملت خود را مکلف به دفاع از سرزمین و مقاومت و فداکاری در راه حفظ خاک وطن دانسته، عمدتاً به صورت آگاهانه و داوطلبانه پای به میدان جنگ می‌گذارند. زرتشتیان نیز به دلیل وجود مفاهیم ارزشی دفاع از سرزمین و کوشش و نبرد در راه پیروزی نیکی بر عداوت در اصول و آموزه‌های دینی و فرهنگی خود، نسبت به فضای فرهنگی حاکم بر کشور احساس بیگانگی نداشتند؛ بنابراین در موضوع مشارکت زرتشتیان در جنگ، ما در پی یافتن نشانه‌های نفوذ خرده نظام فرهنگ زرتشتی و نیز اراده فردی شخص زرتشتی در اقدام به مشارکت در جنگ هستیم.

یافته‌های تحقیق

۱. حیات زرتشتیان در تاریخ اجتماعی ایران

سرزمین ایران، روزگار طولانی به عنوان چهارراه تمدن جهانی، بر سر راه گذار و تعامل با فرهنگ‌های گوناگون قرار داشته و به سبب موقعیت جغرافیایی و پیشینه‌ی تمدنی، محل زیست اقوام و اقلیت‌های گوناگون بوده است و اینک، دارای خرده فرهنگ‌های مختلف است.

با ظهور اشوزرتشت در «۱۷۳۸ پیش از میلاد، بنیاد فکری ایرانیان دگرگون شد و اساس تمدن جدیدی پایه‌ریزی شد» (خورشیدیان، ۱۳۸۷: ۱۲). ایرانیان پیرو آیین جدید، تحت تعالیم و آموزه‌های اخلاقی زرتشت قرار گرفته و در طول تاریخ، کوشش کردند تا به رغم تنگناهای سیاسی و اجتماعی، گام‌های موثری در بهبود وضعیت جامعه بردارند. آیین زرتشت در دوره هخامنشیان و اشکانیان، آیین نیمه رسمی حکومت و در دوره ساسانیان پس از ایجاد پاره‌ای تغییرات در آداب و اصول، به آیین رسمی سرزمین ایران تبدیل شد.

دین زرتشت پس از ورود اسلام به ایران نیز دوام آورد و زرتشتیان، به حکم آیه‌ی شریفه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»^۱ (قرآن کریم، آیه ۱۷ سوره حج؛ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۳) در ایران دوره اسلامی به عنوان اهل کتاب پذیرفته شدند.

حیات زرتشتیان تا پیش از عصر صفویه، متأثر از معضلات گوناگون اقتصادی و اجتماعی بود و تنها در دوران قاجار، و پس از ورود مانکجی لیمجی هاتریا^۲ در دربار ناصری و تلاش وی جهت لغو جزیه بود که زندگی زرتشتیان رونق یافت. در دوران حکومت پهلوی نیز زرتشتیان از رفاه و امکانات مناسب‌تری نسبت به سده‌های گذشته برخوردار شدند.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، فصل جدیدی از تاریخ برای مردم ایران آغاز شد. انقلاب ایران با قرار دادن مذهب در فرازه تغییرات، ساختارهای حکومت جدیدی را پایه‌ریزی کرد که قوانین در آن، بر مبنای دستورات شرعی اسلام

^۱. آن کسانی که به راستی به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند، و کسانی که یهودی شده اند و نیز صابئی‌ها و مسیحیان و مجوسیان، بدانند که خدا در روز رستاخیز میان آنان و کسانی که شرک ورزیده اند، داورى خواهد فرمود.

^۲. «مانکجی لیمجی هاتریا، پارسی اهل هند، موفق شد که فرمان لغو جزیه را از ناصرالدین شاه در تاریخ ۱۲۹۹ ق برابر با ۱۸۸۲ میلادی بگیرد. این مهم‌ترین اقدام برای بهبود وضع اجتماعی زرتشتیان بود و از آن پس جامعه زرتشتی به سوی برابری و تساوی قانونی با دیگر هموطنان خود گام برداشت و موفق شد که در حد توان خویش خدماتی به کشور انجام دهد. فرمان لغو جزیه پس از ۲۹ سال تلاش دشوار و شبانه‌روزی به دست آمد» (مزدآپور، ۱۳۸۲: ۷۷).

مورد تصویب مسئولان قرار گرفت. زرتشتیان نیز بخشی از مردم انقلابی بودند که علیرغم جمعیت کم، و با وجود آنکه در عهد شاهان پهلوی، از آسایش و امکانات نسبتاً مناسبی برخوردار گشته بودند، به صف مردم انقلابی پیوستند: «با اوج‌گیری نارضایتی عمومی در بین مردم، زرتشتیان همانند تمامی مردم ایران و همگام با مسلمانان انقلابی و سایر اقلیت‌های مذهبی به مبارزه با رژیم برخاستند. صف تظاهرات‌کنندگان زرتشتی در میان صف به هم فشرده‌ی تمام مردم، بیانگر وحدت در سر دادن فریادی مشترک بود» (آرشیو انجمن زرتشتیان تهران، ۱۳۶۰). حمایت زرتشتیان از انقلاب ایران و شرکت در آن، نه از سر اجبار، بلکه «به حکم خرد انسانی و گزینش عقلایی زرتشتیان، و به پیروی از فرهنگ آزادی اراده و اختیار در دین زرتشت بود» (ا. اختیاری، مصاحبه شخصی، ۱۳۹۶/۱۱/۱۴).

پس از پیروزی انقلاب، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۳، زرتشتیان را به همراه مسیحیان و کلیمیان تنها اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده در کشور معرفی کرد که در حدود قانون، در انجام مراسم دینی خود آزاد بوده و مسلمانان، به حکم آیه شریفه «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»^۱ که در اصل ۱۴ قانون اساسی بیان شده است، موظف بودند که نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نموده و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند.

زرتشتیان در نخستین سال‌های پس از انقلاب در امور فرهنگی مهم دیگری نیز طرف مشورت و هم‌رایی قرار گرفتند که یکی از اصلی‌ترین نمونه‌های آن، «حضور موبد رستم شهزادی در مجلس خبرگان و تاثیرگذاری وی بر حفظ سه رنگ اصلی پرچم ایران بود» (سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۷).

۲. مشارکت زرتشتیان در جنگ ایران و عراق

با شروع جنگ میان ایران و عراق، مشارکت زرتشتیان در وضعیت و وقایع کشور، بیش از هر زمان دیگر ابعاد ملی و وطن‌دوستانه داشت. کشور در معرض حمله نیروهای

^۱. آیه ۸ سوره مبارکه ممتحنه: «خداوند شما را از آنان که با شما در دین قتال و دشمنی نکرده و شما را از دیارتان بیرون ننمودند، نهی نمی‌کند بلکه با آنان نیکی کنید و به عدالت و انصاف رفتار نمایید، که خدا مردم با عدل و داد را بسیار دوست می‌دارد.»

عراق قرار داشت و نزد هر ایرانی زرتشتی همچون ایرانی مسلمان وجوب دفاع از مرزهای سرزمین مسجل بود: «هنگام آن رسیده بود که هر موضوع دیگری از دستور کار انقلاب کنار گذاشته شود. جنگ و انقلاب در هم ادغام شدند: حمایت از این دو چنان در هم آمیخت که اصولاً آن دو را غیرقابل تشخیص از یکدیگر ساخت» (مختاری، ۱۳۸۰: ۱۴۳).

اسنادی همچون وصایا و زندگینامه‌ی جانبختگان و جانبازان زرتشتی^۱ بر جای مانده که شناخت دیدگاه و انگیزه آنان نسبت به جنگ را ممکن می‌سازد. از آن جمله است: «اگرچه جهانبخش [نمیرانیان] می‌توانست برای انجام خدمت افسری خود تهران، شیراز، باختران و چندین محل دورتر از جبهه را انتخاب نماید و مشغول خدمت گردد، ولی ترجیح داد که به اهواز رفته و مدت خدمت خود را با مقابله مستقیم با دشمن سپری نماید. وی سپس از اهواز به جبهه‌ی فاو منتقل گردید ...» (آرشیو بنیاد شهید و امور ایثارگران استان تهران، ۱۳۹۸).

در بخشی از وصیتنامه شهید زرتشتی دیگر، ذکر شده است که جائیکه استقلال و خاک وطن در خطر است، باید با دشمنان جنگید و در این راه از هیچ چیز، حتی اهدای جان خود واهمه نداشت؛ زیرا ما متعلق به تاریخ یک ملت هستیم و تلاشمان باید در راه کمک به این ملت باشد. «در این مشارکت، یک ارزش والا برای زرتشتیان در اولویت امور قرار داشت و آن عبارت بود از اینکه وقتی کشوری با ایران وارد جنگ می‌شود، ایران در ورای تفاوت‌های قومی و مذهبی قرار می‌گیرد و ایرانیان با اتحاد، باید به دفاع از سرزمین بپردازند» (۱. اختیاری، مصاحبه شخصی، ۱۳۹۶/۱۱/۱۴).

سیال بودن فرهنگ و تاثیرگذاری آن بر دیگر خرده‌نظام‌ها، همچون راه حلی برای خروج از وضعیت اختلافات قومی و دینی عمل می‌کند و سبب می‌شود تا به حکم و دستور دین زرتشت مبنی بر دفاع از سرزمین و کشته شدن در راه میهن، رزمندگان زرتشتی با رویکردی آگاهانه وارد نبرد با دشمن شوند. دوران جنگ ایران و عراق و حضور رزمندگان از اقلیت‌های دینی در جبهه، موبد این نکته بود: «حضور زرتشتیان در جبهه‌های نبرد ایران و عراق نشانگر این امر مهم بود که پیروان ادیان توحیدی نیز در مقاطع حساس و تاریخی، در کنار هموطنان مسلمان خود از خاک کشور دفاع

۱. زندگینامه شهید جهانبخش نمیرانیان، شهید کیخسرو کیخسروی، شهید دیهیم شهریار، شهید اسفندیار دارابیان و جانباز پارسوا بخت و..

می‌کنند» (س. زارع، مصاحبه شخصی، ۱۳۹۶/۱۲/۱۰). بنابراین، به نظر می‌رسد که مشارکت زرتشتیان در جنگ با انگیزه همکاری و همگامی آنان در پاسداری از مرزهای کشور و مبارزه با دشمن، و نیز بر مبنای عمل به وظایف دینی‌شان صورت پذیرفته است.

چگونگی حضور زرتشتیان در جبهه‌های جنگ نیز بخشی قابل تامل در فرآیند مشارکت آنان محسوب می‌شود: «علیرغم محدودیت‌هایی که در اعزام زرتشتیان به جبهه‌های نبرد از سوی برخی نهادهای متولی امر گزارش شده و این اقدام صرفاً به صورت داوطلبانه و یا با کمک نیروهای ارتش جمهوری اسلامی میسر گشت، لکن آمار جانب‌اختگان، جانبازان و آزادگان زرتشتی در این جنگ، نشان از مشارکت آنان به نسبت درصد جمعیت آنها داشت» (آرشیو بنیاد شهید و امور ایثارگران استان تهران، ۱۳۹۸).

شهادت اقلیت‌های دینی متعلق به نیروهای ارتش جمهوری اسلامی هستند. علت اصلی عدم اعزام زرتشتیان از سوی دیگر نهاد نظامی جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را باید در مبنای اعتقادی این نیروی نظامی جستجو کرد؛ چرا که نخستین قانون عضویت در آن، اعتقاد به مبانی اسلام ناب محمدی (ص) و سپس، التزام عملی به احکام اسلام و رعایت موازین اخلاق اسلامی است. از این رو، آن دسته از پیروان ادیان توحیدی که داوطلب شرکت در جنگ بوده‌اند، عمدتاً از طریق ارتش به جبهه‌های نبرد اعزام شدند. با این وجود، زرتشتیان در کنار هموطنان مسلمان خود از خاک کشور دفاع نمودند. دلیل این کنش مشارکتی، حس رضایت خاطر از اقدامی است که بنا بر آموزه‌های خرده‌نظام فرهنگی فرد در او ایجاد می‌شود: «در مشارکت داوطلبانه در جنگ به عنوان یک کنش اجتماعی، اگر جهت‌گیری‌های کنشگران به سمت مشارکت در جنگ به عنوان یک امر اجتماعی مثبت ارزیابی شود، آنها آن را انتخاب خواهند کرد و اگر افراد با این کنشی که انجام داده‌اند، رضایت خاطر حاصل کنند، مجدداً به آن دست خواهند زد» (جبلی بخت‌آرا، ۱۳۸۷: ۱۱۶).

زرتشتیان در بخشی دیگر از کنش مشارکت‌جویانه در جنگ، به اقدامات دیگری نیز پرداختند. از جمله کارهای انجام شده:

«تشکیل ستاد مشترک کمک برای جنگ‌زدگان که از تاریخ ۵۹/۸/۲۰ الی ۵۹/۱۰/۲۰ تشکیل شده و مبلغ ۴۵۰۰۰۰ ریال کمک نقدی و مقادیر قابل توجهی کمک جنسی جمع‌آوری نمود.

- شرکت در مراسم بزرگداشت شهیدان انقلاب در تاریخ ۵۹/۱۱/۲۴ که توسط بنیاد شهید برگزار شد.

- برگزاری مسابقات فوتبال جام شهید به یاد شهدای جنگ تحمیلی.

- اختصاص دادن هزینه‌ی برگزاری جشن‌های مذهبی زرتشتیان بعد از شروع جنگ برای کمک به جنگ‌زدگان» (آرشیو انجمن زرتشتیان تهران، ۱۳۹۶).

آمار جانب‌اختگان و جانبازان زرتشتی در جنگ ایران و عراق بر مبنای آمارهای رسمی بنیاد شهید و امور ایثارگران انقلاب اسلامی، «تعداد ۲۴ شهید زرتشتی و ۱۱ جانباز و آزاده زرتشتی در جنگ ایران و عراق، می‌باشد» (آرشیو بنیاد شهید و امور ایثارگران استان تهران، ۱۳۹۸). تعداد شهدای زرتشتی «در سال ۱۳۸۳ با شهادت جانباز مهرداد آبدیان و در سال ۱۳۸۹، با شهادت جانباز پرویز سرایی، افزایش یافت» (بامسیان، فرهادی و پرخیده، ۱۳۹۶: ۱۵۵-۱۴۷). از ۱۶ شهید زرتشتی جنگ که از زندگی و وصایای آنان، مستنداتی برحای مانده و توسط خانواده‌های آنان و یا بنیاد شهید معرفی شده‌اند، ۱۱ شهید از شهر تهران، ۳ شهید از شهر کرمان و ۲ شهید از شهر یزد در جنگ مشارکت نموده‌اند.

۳. انگیزه‌های فکری و فرهنگی مشارکت زرتشتیان در جنگ ایران و عراق

وقوع جنگ سبب آزاد شدن انرژی عظیمی در محیط می‌شود و براساس الگوی پارسونز و تعریف وی از کنش اجتماعی مشارکت، این انرژی، خرده نظام فرهنگی را از جهت گسترش مشارکت در جنگ و رشد مفاهیم دفاع از سرزمین، شکست دشمن، ایثار، مقاومت و فداکاری، بیش از خرده‌نظام‌های دیگر تحت تاثیر قرار می‌دهد. «این خرده‌نظام براساس شرایط جدید، اطلاعات متناسب با شرایط را برای خرده‌نظام‌های دیگر ارسال و با تجزیه و تحلیل اوضاع، ارزش‌های جدیدی را بسته به مقاطع مختلف جنگ خلق یا برخی ارزش‌ها را احیا می‌نماید» (ودیع، ۱۳۸۱: ۱۵۱).

در آیین زرتشت هم بی تفاوتی نسبت به ظلم و بیداد شایسته نیست و پایداری تا آزادی کشور، ضروری است. بنابراین همراه شدن با سپاه راستی و پیکار با دشمن از دیرباز در این سرزمین جایگاهی ارزشمند داشته است. اشوزرتشت در گات‌ها، هات ۴۸، بند ۱۲ چنین می‌گوید: «کسانی از حامیان کشور محسوب می‌شوند که از برای درهم‌شکستن خشم بدخواهان به پا خیزند». آدمی نقش سربازی را ایفا می‌کند که بر علیه بدی و در جهت حفظ و حراست از نیکی و پایداری آن می‌جنگد تا آن زمان که

نیکی سراسر هستی را دربرگیرد: «ایمان راسخ جانباختگان زرتشتی بر این امر است که دنیا به سوی بهبودی است و اگر چندی ناهنجاری‌هایی پیش می‌آید، بلاخره نیروی سپنتامینو بر قوای انگره مینو فائق خواهد گردید» (صرفه، ۱۳۶۱: ۹).

بر مبنای این نگرش، تقابل خیر و شر در آموزه‌های زرتشتی و دفاع از خاک سرزمین در برابر دشمن، مهم‌ترین آموزه فرهنگی دین زرتشت به هنگام وقوع جنگ است و این اهمیت را می‌توان در متون کهن زرتشتی و آثار و اسناد برجای مانده از دوران جنگ مشاهده کرد:

۳. ۱. اصل «تقابل خیر و شر در آموزه‌های زرتشتی»

تقابل خیر و شر اصلی‌ترین آموزه آیین زرتشتی است. این رویارویی که به نبردی کیهانی می‌انجامد، تمام حدود و غایت زندگی انسان را مشخص می‌کند و به جهت اهمیت، در منابع متعدد مورد تاکید قرار گرفته است؛ بویژه در گاتاها که اصلی‌ترین منبع دینی زرتشتیان است، همچنین است در میان متون به جای مانده از مورخان مسلمان و نیز در میان پژوهشگران متأخر که به بررسی فلسفه آیین زرتشت پرداخته‌اند. در گاتاها خیر و شر همزاد هم دانسته شده‌اند: «در آغاز آن دو مینوی همزاد و در اندیشه و گفتار و کردار (یکی) نیک و (دیگری) بد، با یکدیگر سخن گفتند. از آن دو، نیک‌آگاهان راست را برگزیدند نه دژآگاهان» (گاتاها، هات ۳۰، بند ۳).

شهرستانی در الملل و النحل نوشته است: «... و مجوس چون دو اصل اثبات می‌کنند، دو مدبر قدیم که اقسام خیر و شر و افتراق نفع و ضرر و انفکاک صلاح و فساد کند، اثبات می‌کنند... و این دو اصل را یکی نور و یکی ظلمت گویند و به فارسی یزدان و اهرمن، و ایشان را در این سخن تفصیلی هست که مذهب ایشان بر آن تفصیل مبتنی است. و مدار مسائل مجوس بر دو قاعده است: یکی بیان سبب امتزاج نور به ظلمت و دوم سبب خلاص نور از ظلمت. و امتزاج را مبدأ گویند و خلاص را معاد» (شهرستانی، ۱۳۶۱: ۱۸۰).

پژوهش‌های نوین نیز، رو در رو شدن خیر و شر را مورد بررسی قرار داده‌اند: «در اندیشه مزدایی تقابل خیر و شر از ابتدای جهان آغاز می‌شود و تا پایان جهان ادامه می‌یابد. در فرجام کیهان، نیروهای شر در نبردی تعیین کننده نابود می‌شوند. با نابودی نیروهای شر، خلقت جهان به هدف خویش رسیده، غایت آفرینش انسان نیز محقق می‌شود» (رضایی‌راد، ۱۳۸۹: ۸۴).

موضوعی که در مهم‌ترین متون پهلوی همچون مینوی خرد^۱ بدان اشاره شده، شرح تازش اهریمن به قلمرو هرمزد است و در این بین، وظیفه‌ی مهم انسان آن است که با شرور مبارزه کند. بنا بر متون زرتشتی (همچون داراب هرمزدیار)^۲ در فرجام جهان (=فرشکرد) اهریمن شکست می‌خورد و شر در فرآیندی تدریجی از میان خواهد رفت. براساس متن بندهش، هرمزد پیش از آفرینش مادی فروهر انسان را مختار ساخت و گفت: «به نظر شما کدامیک سودمندتر است؟ این که شما را به صورت مادی بیافرینم و با تن خویش در برابر دروج^۳ بکوشید و وی را نابود سازید و سپس شما را به عاقبتی خوب برسانم ... یا اینکه همیشه شما را از اهریمن پاسداری کنم؟ مردمان با آن خرد فراگیر ... درست بودن را دیدند و برای رفتن به جهان [مادی] همداستان شدند» (بندهش، ۱۳۶۹: ۵۰).

خیر و شر مفاهیمی انتزاعی نیستند، بلکه اعمال اخلاقی و ضداخلاقی را نیز در بر می‌گیرند. در آموزه‌های زرتشتی، انسان سعادت‌مند براساس خیر و نظم کیهانی (اشه) زندگی می‌کند و این، هدف آفرینش است: «غایت جهان عبارت است از رزم و نبرد جاودانی خوبی و بدی. آرزو آمل هر فرد زرتشتی باید این باشد که دیو بدی مغلوب شود و راستی و خوبی پیروز گردد» (پورداوود، ۱۳۹۳: ۷۳).

از سوی دیگر، باور به تقابل خیر و شر سبب ساز ایجاد مفاهیم مهمی در آیین زرتشتی شد که مسیر حرکت انسان زرتشتی را در برابر وقایع گوناگون زندگی روشن می‌ساخت: «راستی و دروغ». زرتشت در یسنای ۳۰، قطعه سوم می‌گوید: «مرد دانا باید

^۱ مینوی خرد یکی از مهم‌ترین متون دوره‌ی فارسی میانه و ادبیات پهلوی و از متون مهم به‌دینان است که پند و اندرز در آن نقش اصلی را دارد. این اثر دربردارنده‌ی پرسش‌ها و پاسخ‌های دانا و مینوی خرد است و تکیه‌ی اصلی آن، تاکید بر اخلاق‌مداری بر پایه توجه ویژه به خرد است. یکی از درون مایه‌های اصلی این اندرزنامه، بحث اسطوره‌ی آفرینش زرتشتی است.

^۲ روایات داراب هرمزدیار، کتابی دو جلدی به فارسی زرتشتی است که به شیوه پرسش و پاسخ میان مومنان و پیشوایان دینی زرتشتی در قرن ۱۱ مقارن با عصر صفوی در هند تحریر شده است. «محتوای کلی این پرسش‌ها مسائل دینی، باورها و رسوم آیین زرتشتی است و بازتاب دهنده‌ی چالش‌هایی است که جامعه‌ی دینی کهن در رویارویی با تحولات تاریخی جامعه ایران و هند با آن روبرو بوده است. پرسشگران پرسیدنی‌ها را طرح کرده‌اند و پیشوایان بر پایه متون کهن و سنت پیشینیان به آنها پاسخ داده و مردم را ارشاد کرده‌اند» (دالوند، ۱۳۸۸: ۲۴۸).

^۳ دروغ

خوب را برگزیند» (همان: ۷۴). در قطعه چهارم از یسنا، هات ۱۲ می‌گوید: «ترک گویم بستگی با هر یک از دروغ‌پرستان آزاردهنده را» (پورد اوود، بی‌تا: ۱۸۷) و در قطعه ۱۴ یسنا هات ۲۷ می‌گوید: «سعادت کسی راست که راست و خواستار بهترین راستی است» (همان: ۲۳۲).

این دو مفهوم، تنها دریافت سخن راست یا ناراست را ندارند، بلکه معنایی وسیع یافتند: «راستی همه‌ی آن اعمالی را در بر می‌گرفت که مطابق نظم اخلاقی جهان و ناموس ازلی کیهان بود و آشون به کسی اطلاق می‌شد که مطابق این سیاق زندگی کند؛ دروغ نیز به همین‌گونه زیستن بر ضد نظام اخلاقی جهان و مطابق آیین دیوان ... است» (بندش، ۱۳۶۹: ۸۸).

انسان نیز با توجه به این اصل که در جهان، همواره دو نیروی خیر و شر در برابر یکدیگر صف‌آرایی می‌کنند و در نبرد با هم هستند، اختیار دارد تا یکی از این دو نیرو را برگزیند و به صف پیروان خیر یا پیروان شر درآید. در صورتی که انسان مسئولیت پیروی از خیر را بپذیرد و در جهت نظام اخلاقی کیهان و در مسیر مبارزه با شر گام بردارد، باید به گونه‌ای زندگی نماید که همواره خود را در صحنه نبرد با دیوان پندارد و مسئولیت مبارزه تا پیروزی نهایی خیر را بر دوش خود حس نماید و در فرجام این مبارزه و پایان جهان که با آرامش ابدی همراه خواهد بود و غایت آفرینش اهورامزدا تحقق خواهد یافت، مشارکت نماید.

باید توجه داشت که این آموزه‌ها که غایتشان رستگاری در جهان است، از رستگاری در حیات فردی انسان آغاز می‌شود. انسان تجلی‌گاه ملکوت برین است و براساس مقصود الهی دین زرتشت، انسان باید در حیات فردی خود بر مدار نظم کیهانی و انباز شدن در نبرد کیهانی میان خیر و شر عمل نماید تا در تمام عالم، منشا خیر و نیکی باشد.

در متون و جراید زرتشتی که در دوران جنگ انتشار می‌یافت، همواره تاکید بر نبرد میان نیکی و بدی و پیروزی نهایی نیکی وجود داشته است: «... این جنگ و نبرد آنقدر ادامه خواهد یافت تا اینکه به یاری انسان‌ها، بلاخره نیکی بر بدی غلبه یافته و عدل و داد بر بیدادگری و ستم و راستی بر دروغ و صلح و آرامش بر جنگ و جدال فیروز خواهد شد» (هوخت، ۱۳۵۹: ۳۲). همچنین براساس اصول زرتشتی، جان باختن جوانان در این جنگ و دفاع از حد و مرز کشور، از جمله وظایف دینی است که درباره آن در

تعالیم زرتشتی گفتگو شده است. در متن سخنرانی خداداد خنجری^۱ در مجلس پُرسه شهید کامران گنجی در یزد در سال ۱۳۵۹، تاکید شده است که: «... کامران جان خود را در راه آرمان خود و در راه پیروزی نور بر تاریکی فدا کرد و به پاکان جاودانی پیوست» (همان: ۲۳).

۳. ۲. اصل «دفاع از سرزمین در برابر دشمن»

زرتشتیان از آیینی پیروی می‌کنند که «مخالف جنگ و خونریزی و ستایشگر آشتی، از خودگذشتگی و پارسایی است» (نیکنام، ۱۳۸۵: ۹). اما چنانچه دشمن قصد تهاجم به خاک کشور را داشته باشد، چه باید کرد؟ «در اینجا اشوزرتشت اجازه می‌دهد که برای عقیم ساختن نقشه دشمنان و خنثی نمودن هجوم آنان. [از نیروی نظامی] خود استفاده کنیم و نگذاریم به کشور و مردم آسیبی برسد» (هوخ، ۱۳۵۹: ۲۳).

مسئولیت انسان در برابر میهن خویش و تلاش برای دفاع از آن به هنگام درگیری و کوشش برای شکست دشمن، از اصول اساسی دین زرتشت است: «فروهرها چالاک، دلیر و هراساننده، همه‌ی ستیز دشمنان را در هم می‌شکنند، چه از دیوها و چه از مردمان (همان یشت، بند ۳۳)، آنان چون از کسی دفاع کنند، نه تیغ آخته، نه گرز خوب فروهشته، نه تیر خوب رها گشته و نه نیزه‌ی خوب پرتاب شده، بر او کارگر نمی‌افتد» (فروردین یشت، بند ۷۲) (بهار، ۱۳۷۴: ۲۶-۲۵).

بهدینان در اصول دین خود، آرمانی مهم را می‌آموزند که به آنان حکم می‌کند از جمله اصلی‌ترین پیشه‌ها برای انسان، گرویدن به گروه سپاهیان پاسدار مردم از دشمنان است. کار ایشان بازداشتن دشمنان از کشور و سزا دادن به آنها بوده، و مردم کشور را به سلامت و صلح محفوظ می‌دارند. «فرد داوطلب برای دفاع از یک آرمان وارد جنگ می‌شود. داوطلب حقیقی داوطلبی است که خود را در منازعه‌ای معین درگیر می‌کند و بعد، یعنی پس از پایان جنگ چون احساس می‌کند که وظیفه‌اش را انجام داده است، به کانون خانوادگی خود باز می‌گردد» (گاستون بوتول، ۱۳۸۰: ۷۹-۷۸).

^۱. از پژوهشگران، بنیان‌گذاران و کوشندگان «انجمن دینی زرتشتیان» در نخستین سال‌های دهه شصت خورشیدی در یزد.

^۲. مجلس ترحیم

پیام اشوزرتشت، بیانگر این امر است که هر فرد باید در گام اول، خصلت‌های لازم انسان بودن را در خود پرورش دهد، سپس در راه گسترش راستی و مهر کوشش کند یا به عبارتی علیه دروغ و کژاندیشی مبارزه پیگیر داشته باشد و در این راه حتی از فدا کردن جان خود نیز در صورت نیاز، دریغ نداشته باشد: «چند نفر از دوستان شهید جمشید گشتاسبی پیش از رسیدن به سن سربازی به هند رفته بودند. این امکان برای وی هم فراهم بود، [اما او] قبول نکرد. و تصمیم به رفتن به جبهه‌های نبرد را گرفت. وی معتقد بود: من برای حفظ وطنم، پدر و مادرم، ناموس و آبرویم باید بروم، [اگر از رفتن منصرف شویم] چه کسی از خاک و سرزمینمان دفاع خواهد کرد و چه کسی میهنمان را از دست دشمن نجات خواهد داد؟» (بامسیان، فرهادی و پرخیده، ۱۳۹۶: ۱۱۵). در بخشی دیگر از خاطرات شهدای زرتشتی، نقل قولی از شهید کامران گنجی بر جای مانده که در آن تاکید می‌کند: «من سرباز هستم. کشورم مورد تجاوز دشمن قرار گرفته و در حال جنگ است. [وظیفه من است] که از میهن و زادگاهم دفاع کنم» (هوخت، ۱۳۵۹: ۴۷).

همچنین در متون زرتشتی، به شرکت کردن زرتشتیان در جنگ ارج نهاده شده و آن را گرامی می‌دارند، چون به سربازان و سپاهیان این امکان را می‌دهد که با دشمنان وطن و دشمنان [نیکی] و انسانیت نبرد نمایند: «زرتشتیان به پیروی از کلام کتبی مذهبی و تاریخی خود، همواره به سپاهگیری و حراست از وطن معتقد بوده و با شجاعت، از سرزمین اجدادی خود، همگام با دیگر برادران غیرزرتشتی دفاع نمودند. «(شهریاری، ۱۳۶۲: ۱۶).

بسط یافتن خرده‌نظام فرهنگی و تاثیرپذیری سایر خرده‌نظام‌ها از آن، در شرایطی که فرد نسبت به هویت ملی، امنیت، و تمامیت ارضی سرزمین خود احساس خطر می‌نماید، سبب فعال شدن مفاهیم عمیق فرهنگی در ذهنیت و رویکرد فرد شده و تغییرات رفتاری را در وی پدید می‌آورد. خرده‌نظام فرهنگی زرتشتیان و احساس وظیفه و رضایت قلبی که برخاسته از این نگرش بوده، زمینه‌های فکری لازم برای کنش مشارکتی آنان در ایام جنگ ایران و عراق را فراهم کرده و براساس نگاه پارسونزی، مفاهیم فرهنگی درونی شده، بیش از پیش بر عملکردشان اثر گذاشته است. با در نظر گرفتن جمعیت اندک زرتشتیان به نسبت جمعیت کل کشور، همچنین بررسی اسناد، خاطرات و وصایای باقیمانده از آنان، و با ملاحظاتی از این قبیل که در میان

جانباختگان و جانبازان زرتشتی، برخی افراد امکان خروج از کشور و ادامه زندگی در هندوستان را داشته، و یا به عنوان سرپرست خانوار از حضور در جبهه معاف بودند، می‌توان حضور زرتشتیان در جبهه‌های جنگ ایران و عراق را تهی از رویکرد جبری و واجد ویژگی‌های مشارکت دانست.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر ضمن نگاه به مفهوم مشارکت و عوامل اثرگذار در اقدام به امر مشارکتی، کوشید تا از این منظر به بررسی انگیزه‌ها و دلایل فکری و فرهنگی حضور زرتشتیان در جنگ ایران و عراق بپردازد و داده‌هایی منطبق بر این حوزه را از خلال منابع و آثار دینی زرتشتی و نیز اطلاعات مربوط به وضعیت زرتشتیان در دوران جنگ گرد آورد. دستاورد حاصل از این بررسی نشان از آن دارد که روح مشارکت، انجام عملی به صورت آگاهانه است که هدفمند است و در پس آن، دگرگونی و تغییر شرایط بوجود می‌آید. همچنین اقدام به مشارکت زمانی واقع می‌شود که از پذیرش اصل برابری افراد جامعه برای انجام یک عمل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی برخیزد.

در جریان جنگ، وجدان جمعی و منش ملی یک ملت، فارغ از مسائل قومی، زبانی و مذهبی شکل می‌گیرد و همه مردم جامعه با هدف حفظ خاک سرزمین و در هاله‌ای از وفاق و اتحاد، از کیان میهن خود دفاع می‌کنند. براین اساس جانباختگان و جانبازان زرتشتی مشارکت‌کننده در جنگ، از این جهت در آن شرکت کردند که خود را عضوی مهجور و جدا از جامعه‌ی ایران نمی‌دانستند و برای حضور در جنگ، علیرغم تعداد کم، هدف حفظ خاک کشور در برابر تهاجم بیگانه را داشتند. انگیزه آنان برخاسته از آموزه‌ی دینی «نبرد خیر و شر و پیروزی نهایی خیر»، و نیز اصل «دفاع از سرزمین در برابر دشمن» بود و همان‌طور که یک رزمنده‌ی مسلمان، از آرمان‌های مکتبی خود ملهم و متأثر گشته و راهی نبرد می‌شد، رزمنده‌ی زرتشتی نیز تحت تأثیر خرده‌نظام فرهنگی و اصول دینی خود قرار داشت؛ پس نمی‌توان حضور آنان را امری جبری و دستوری محسوب کرد.

از سوی دیگر، این مشارکت جنبه‌ی آگاهانه داشت، به این جهت که تمام رزمندگان که به جبهه نبرد اعزام می‌شدند، بر این امر واقف بودند که ممکن است به شهادت

رسیده و یا به اسارت درآیند؛ لکن خود را موظف و مسئول به مبارزه می‌دانستند؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که حضور رزمندگان زرتشتی در جبهه‌های جنگ ایران و عراق، با شاخص‌های اصلی کنش جمعی مشارکت (از دیدگاه تالکوت پارسونز) که عبارت از آگاهی، اراده، هدفمندی و نیز تاثیرپذیری از آموزه‌ها و مفاهیم خرده نظام فرهنگی است، انطباق داشته و آموزه‌های دینی زرتشتیان، زمینه‌های فکری و فرهنگی لازم برای اقدام به امر مشارکت را نزد آنان فراهم کرده بود.

فهرست منابع و مآخذ:

- قرآن کریم
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- آرشیو انجمن زرتشتیان تهران، ۱۳۹۶.
- آرشیو بنیاد شهید و امور ایثارگران استان تهران، تاریخ مراجعه: ۱۲ تیر ۱۳۹۸.
- اختیاری، اسفندیار (۱۳۹۶). نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی، مصاحبه شخصی، پردیس علم و فناوری تهران.
- بامسیان، پروین و فرهادی، نخستین دخت و پرخیده، بوذرجمهر (۱۳۹۶). *یاد سرو/ایستاده*، تهران: انتشارات بهجت.
- بندهش (۱۳۶۹). ترجمه مهرداد بهار، تهران: انتشارات توس.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۴). *جستاری چند در فرهنگ ایران*، تهران: انتشارات فکر روز.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- بوتول، گاستون (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی جنگ*، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پوررستمی، فرامرز (۱۳۸۷). *انجمن زرتشتیان تهران: یک سده تلاش و خدمت*، تهران: انتشارات فروهر.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۸۴). *گات‌ها، قدیمی‌ترین قسمت اوستا*، تهران: نشر اساطیر.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۹۳). *اوستا، کهن‌ترین کتاب آسمانی در زمان ایران باستان*، تهران: دنیای کتاب.
- پورداوود، ابراهیم (بی‌تا). *یستا: جزوی از نامه مینوی اوستا*، تهران: بی‌جا، بی‌نا.
- جباری، حبیب (۱۳۷۸). *مشارکت و توسعه اجتماعی، مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی وزارت کشور*، تهران: وزارت کشور.

- جبلی بخت‌آزا، وحید (۱۳۸۷). تحرک اجتماعی دواطلبان مشارکت در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران: مطالعه‌ای در مورد جانبازان بسیجی ساکن شهر تهران بزرگ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- خورشیدیان، اردشیر. (۱۳۸۷). *جهان‌بینی اشوزرتشت (پیام‌آور ایرانی)*، تهران: انتشارات فروهر،
- دال، رابرت (۱۳۶۴). *تجزیه و تحلیل جدید سیاست*، ترجمه حسین ظفریان، تهران: نشر خرمی.
- دالوند، حمیدرضا (۱۳۸۸). «روایات داراب هرمزدیار و دستنویس کتابخانه مجلس شورای اسلامی»، *پیام بهارستان*، دوره ۲، سال ۲، شماره ۵، ص ۲۶۰-۲۴۷.
- رضایی‌راد، محمد (۱۳۸۹). *مبانی اندیشه سیاسی در خرد مزدایی (اندیشه سیاسی در ایران پیش از اسلام)*، تهران: انتشارات طرح نو.
- زارع، سعید (۱۳۹۶). *معاون دستیار ویژه رییس جمهوری در امور اقوام و اقلیت‌های ایرانی*، مصاحبه شخصی، دفتر دستکاری ویژه رییس جمهور.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۷). «یادآورها: موبد رستم شهزادی»، وبسایت تخصصی. http://www.nlai.ir/detail/asset_publisher/1XAU1TD4jK8G آخرین بروزرسانی: ۱۸ بهمن ۱۳۹۷.
- شهرستانی، عبدالکریم (۱۳۶۱). *توضیح‌الملل: ترجمه ملل و نحل شهرستانی*، ترجمه مصطفی خالقداد هاشمی، به تصحیح سید محمدرضا جلالی نائینی، ج ۱، تهران: شرکت سهامی عام.
- شهریاری، س (۱۳۶۲). «سیری در تعالیم اشوزرتشت، سپاهگیری و دفاع از وطن»، *ماهنامه هونخت*، شماره ۸، دوره ۳۴، ص ۱۶-۱۱.
- صرفه، رستم (۱۳۶۱). «آشنا»، *ماهنامه هونخت*، شماره ۱، دوره ۳۳، ص ۹-۳.
- علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۷۹). *بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها*، تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). *تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی-اقتصادی سازمان یافته روستائیان به عنوان مکانیزمی برای توسعه روستایی ایران*، پایان‌نامه دکتری، تهران، دانشگاه تهران.
- فرنچ، درک و سارود، هیتز (۱۳۷۵). *فرهنگ مدیریت*، ترجمه محمد صائبی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

| بررسی مشارکت زرتشتیان در جنگ ایران و عراق... | ۱۳۹

- فیض اردکانی، سید مصطفی (۱۳۹۱). بررسی مشارکت اجتماعی به مثابه سازوکاری برای رسیدن به رفاه اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- کریب، یان (۱۳۸۵). *نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس*، ترجمه عباس مخیر، تهران: نشر آگه.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵). «بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی و سیاسی»، *نامه پژوهش فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، شماره ۱، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۱۰۹-۸۹.
- مختاری، مجید (۱۳۸۰). *تاملی در جنگ ایران و عراق: چند مساله راهبردی*، تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- نیکنام، کوروش (۱۳۸۵). *آیین اختیار (گفتاری پیرامون فرهنگ و فلسفه زرتشت)*، تهران: انتشارات تیس.
- ودیعه، ساسان (۱۳۸۱). «تحلیل جامعه‌شناختی جنگ ایران و عراق در قالب نظریه پارسونز»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره ۹، شماره ۱۷، بهار ۱۳۸۱، ص ۱۵۴-۱۳۱.
- هارت، رابرت. ای (۱۳۸۰). *مشارکت کودکان و نوجوانان از پذیرش صوری تا شهروندی واقعی*، ترجمه فریده طاهری، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- همیلتون، پیت (۱۳۷۹). *تالکوت پارسونز*، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات هرمس.
- هوخت (۱۳۵۹). «کامران گنجی، جوان ناکامی که در جنگ با ستمگران در راه دفاع از خاک میهن به افتخار شهادت نائل گردید»، شماره ۸، دوره ۳۱، ص ۴۷-۴۶.
- هوخت (۱۳۵۹). «سخنرانی موبد رستم شهزادی در آیین سی روزه‌ی زنده‌یاد روانشاد کامران گنجی»، شماره ۹، دوره ۳۱، ص ۳۲-۳۰.
- هوخت (۱۳۵۹). «سخنرانی آقای خداداد خنجری در مجلس پُرسه شهید کامران گنجی در یزد»، شماره ۱۰، دوره ۳۱، ص ۲۳-۲۰.

- Kelly, Caroline & Breinlinger, Sara. (1996). "The social psychology of collective action", London: Taylor & Francis.
- Black, Max. (1961). "The Social Theories of Talcott Parsons; a critical examination", New York: Englewood Cliffs, N. J. , Prentice-Hall.
- Swingewood, Alan. (1991). "A Short History of Sociological Thought", London: MacMillan Publishers.

Investigating Zoroastrian Participation in Iran-Iraq War: Motivations, Reasons, Intellectual and Cultural Backgrounds

Shabahang Mohajerani; * *Aliakbar Amini*; **
Seyyed Ali Mortazavian ***

Abstract

Participation is a phenomenon that can be described as contributing to decisions, actions, and involvement of individuals in collective situations, which works to fulfill the objectives of groups. This phenomenon has specific conditions in Iran due to the presence of different ethnic and religious groups, and the synergy and cooperation of different groups of the population play an essential role in the formation of participation. The Iran-Iraq War is a significant part of Iranian history, and the motivation of different groups of people for participating in this war is worth being examined. Zoroastrians were among minority religious groups who participated in the war. Based on Talcott Parsons' action theory, the present descriptive-analytical study thus investigated Zoroastrians' motivations and intellectual and cultural backgrounds for participating in the Iran-Iraq War. The findings revealed that the cultural system of Zoroastrianism and a sense of duty and personal satisfaction among Zoroastrians motivated them to perform the action of participating in the war.

Keywords: war, Zoroastrians, Iran's religious minorities, voluntary participation, cultural subsystem.

* PhD Student, Faculty of Political Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch; Email: shabahang_mohajerani@yahoo.com.

** Corresponding author: Assistant Professor, Faculty of Political Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch; Email: amini.aliakbar@yahoo.com.

*** Assistant Professor, Faculty of Political Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch; Email: a_mortazav@yahoo.com.

| Received: July 25, 2019; Accepted: January 25, 2020 |